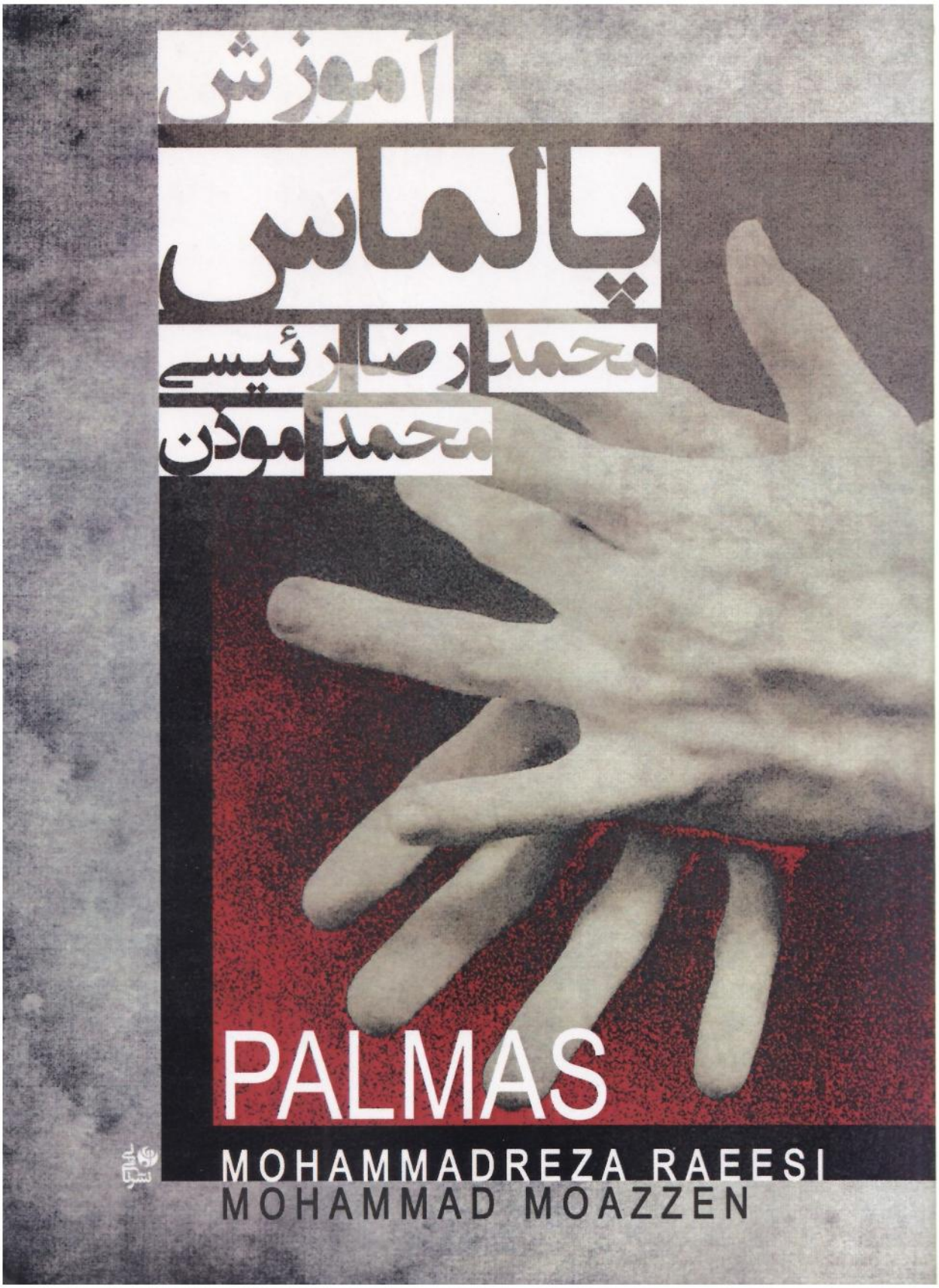


بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

نشر نای‌ونی ناشر تخصصی موسیقی

نشر نای‌ونی

آموزش پالماس

محمدرضا رئیسی. محمد مؤذن‌باشی

ویراستار: رسول انبارداران
صفحه‌آرا: اردوان رضای‌سلطان‌آبادی
طرح جلد: فرید حامدی
نوبت‌چاپ: اول ـ ۱۴۰۱
شمارگان: ۲۵۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۳۰۹-۰۲-۹

سرشناسه: رئیسی، محمدرضا، ۱۳۶۲.
عنوان: آموزش پالماس
پدیدآورندگان: محمدرضا رئیسی، محمد مؤذن‌باشی
مشخصات نشر: تهران نای‌ونی ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ۸۰ص مصور.
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
شناسه افزوده: مؤذن‌باشی، محمد، ۱۳۶۵.
موضوع: فلامنکو (موسیقی)
رده‌بندی کنگره: ML۳۷۱۲
رده بندی دیویی: ۷۸۱/۶۲۶۱
شماره کتابشناسی ملی: ۹۰۵۶۶۹۱

تمامی حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به نشر نای‌ونی است. هرگونه تکثیر و تولید (کلی و جزئی) به هرصورت چاپ، فتوکپی، صوتی، تصویری و الکترونیکی یا دیجیتال بدون مجوز کتبی ناشر، ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد.

فروشگاه نشر نای‌ونی:
تهران، خیابان انقلاب، مقابل دانشگاه تهران، مجتمع تجاری فروزنده، طبقه همکف شماره ۳۰۸
تلفن پخش: ۶۶۴۶۷۱۴۰
تلفن فروشگاه: ۶۶۴۶۷۴۰۵

فروشگاه اینترنتی: www.nayoney.com

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

تصاویر



یک خانوادهٔ کولی

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

فلامِنکو هنر مطلق نیست (هنر برای هنر)؛ بلکه هنری است با رسالتی فرهنگی و سال‌ها است که این بار را به دوش می‌کشد.

چارچوب‌های این سبک عبارت است از قواعدِ معنوی و هنریِ منظمی که توسط والدین به فرزندان آموزش داده می‌شود. در شهر «**مورُن**»[1] این جنبه از هستی‌شناسی در آوازهای مردم آشکار شده و می‌شود. کودکان از سنین ابتدایی با حجم وسیعی از آموزه‌هایِ آواز و موسیقی مواجه و آشنا می‌شوند. در هنگامهٔ خواندن آواز، آنان مدام به تمرکز هر چه بیشتر بر روی قطعات و نگه‌داشتن ریتم تشویق می‌شوند. برای والدینِ این بچه‌ها بیانِ موضوع مرگ و زندگی به این شیوه، ساده‌تر و ملموس‌تر است. بدین ترتیب شاهد نگرشی به زندگی هستیم که در این فرهنگ همواره با نیم‌نگاهی به مرگ منتقل می‌شود.

نکتهٔ حائز اهمیت در این سبک نوع نگاه به جاذبه‌های جنسی است. با تفسیر آثار موجود به این نتیجه می‌رسیم که تمرکز بر جاذبه‌ها و انگیزش‌های جنسی نقشی ثانویه را در این هنر ایفا می‌کند. حتی می‌توان گفت که جاذبه‌ها و انگیزه‌های جنسی به‌مثابه عوامل مُخل تمرکز به شمار می‌آیند.

این فرهنگ، یک بیان تمام‌عیار از فلسفهٔ وجودی زن و مرد عرضه می‌کند و در آن، زیبایی و جذابیتِ هر دو جنس به حفظ شئونات آن است و نه بی‌بندوباری و رهایی مطلق. هم‌چنین، تفسیری است شجاعانه از عاقبت زندگی.

آگاهی از هستی به‌عنوان یک اصل فلسفی، در درجهٔ نخست و بیان این آگاهی به‌طور ملموس در مرحلهٔ بعد، نیازمندِ توجه به ابعاد و ظرایف عام و خاص بسیاری است. برای هنرمندانِ موسیقی فلامِنکو، مواجهه با این واقعیات به‌مثابه تمرینی است برای تفسیر واقعیتْ و خَلق بداهه‌های پُرمعنا که به‌موازات آن تمامی تلاش‌های آدمی برای رهایی از مرگ را نشان می‌دهد.

---

[1] Moron

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

اجرای این هنر می‌تواند با لطافتی طنزگونه و یا با یک تراژدیِ غمناک همراه باشد. گاهی نیاز است که از پوچیِ وجود انسان و پایان آن به‌وسیلهٔ مرگ، با شوخ‌طبعی یادکرد، گاهی هم لازم است به‌صورت بیانِ واقع‌گرایانه و غم‌انگیزی از یک دلتنگی عمیق ظاهر شود؛ چراکه بیشتر هنرمندان ــ خصوصاً در این سبک- از این واقعیت آگاه‌اند که مرگ نشانگرِ بُعد وجودی زندگی انسان در دنیایی گذرا است.

برخلاف خلقِ سایر محصولاتی که نیاز به برنامه‌ریزی و تفکر بسیار دارند، ذات این هنر (نواختن گیتار، خواندن آواز و رقصیدن) به‌گونه‌ای است که خودبه‌خود پدید می‌آید و هدف غایی آن برخلاف تولید بسیاری از «چیزها»، کسب ثروت نیست.

به‌طور خلاصه، هنر فلامِنکو در بیانِ اهداف خود پیرامونِ فلسفهٔ وجود، هنری برونگرا، باوقار و لطیف است. این سبک در پیِ بیانِ ارزش‌های انسانی در جهانی آزاد و عاری از خرافه است.

بدین ترتیب، فلامِنکو سعی در آگاه ساختنِ بشر از فلسفهٔ وجود (با تأکید بر مرگ‌آگاهی) دارد و مانند بسیاری از سبک‌های هنری، موافقان و مخالفانی نیز دارد.

نسبت موسیقی ایران و فلامِنکو

همان‌طور که می‌دانید ارتباط تنگاتنگی میان موسیقی فلامِنکو و موسیقی ایران وجود دارد و جالب آنجاست که این موسیقی در بسیاری از موارد از موسیقی ایران وام گرفته است. برای درکِ هرچه بهتر این نکته و ارتباط فرهنگی میان ایران و اسپانیا به بخشی از کتاب «**ایران در اسپانیای مسلمان**» نوشتهٔ «**شجاع‌الدین شفا**»[1] اشاره می‌کنیم:

«قدیمی‌ترین گزارش را دربارهٔ لولیان (لوریان) در ادبیات ایران، در شاهنامهٔ فردوسی می‌توان یافت. شاعر نقل می‌کند که «**بهرام گور**»[2] پادشاه ایران که دلواپس بهبود زندگیِ رعایای خود بود و ملاحظه

---

[1] ۱۳۸۹-۱۲۹۷ ادیب، نویسنده، پژوهش‌گر و مترجم سرشناس ایرانی

[2] بهرام پنجم یا وهرام پنجم یا بهرام گور پادشاه ساسانی بود که از سال ۴۲۱ تا ۴۳۸ میلادی پادشاهی کرد.

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

می‌کرد که به دلیل نبودنِ تعداد کافی نوازنده، اتباع او ناگزیرند «باده را بدون همراهی ساز و طرب بنوشند»، از دوست خود «**شنگُل**»[۱]، پادشاه هندوستان، درخواست کرد چند هزار تن از این «**لوریان**» را که می‌توانند با خواندن و نواختنِ نای و عود مایهٔ شادی مردمان شوند، به دربار او بفرستد».

تقریباً هم‌زمان با فردوسی، وقایع‌نگار، «**حمزة ابن حسن اصفهانی**»[۲] از فرارسیدن دوازده هزار تن نوازنده و خواننده از هند به ایران در حوالی سال ۵۵۰ خبر می‌دهد. «**ثعالبی**»[۳]، مورخِ قرن دهم نیز از همین «**لوری‌ها**» که «**نوازندهٔ عود و نی**» بوده‌اند، گفتگو می‌کند.

«در قرن دوازدهم پادشاه ایران از همتای هندی‌اش خواسته بود که برای او ده هزار خُنیاگر (که در زبان پهلوی به معنای «خواننده» است) بفرستد». مؤلف تصریح می‌کند که لوریان دقیقاً از نژاد و تبار همین خنیاگران‌اند.

واژه لوری بارها در شعر پارسی به‌کاررفته است، نمونهٔ مشهور آن در یکی از غزل‌های حافظ است که در آن از «**لولی**» نام می‌برد. بعداً ما این اسم را در شکل تغییریافته‌اش، «**کولی**» (Kuli) یا «**کاولی**» (Kowli) بازمی‌یابیم. «**مینورسکی**»[۴] معتقد است؛ اسم «**نوری**» (Nuri) که در سوریه و فلسطین بر کولیان گذاشته شده، باید مشتقی از همین اسم ایرانیِ «**لوری**» باشد[۵] (شفا، ۳۷۵: ۱۳۸۵).

علی‌اکبر دهخدا نیز در لغت‌نامهٔ خود مترادف‌هایی برای کلمهٔ لولی آورده است که از آن میان می‌توان به لوری، کولی و سُرودگویِ کوچه‌ها اشاره کرد (دهخدا، ۱۳۵۸ : ۲۵۲۹) یا در فرهنگ فارسی عمید

---

[1] Shangol

[۲] ابوعبدالله حمزة ابن حسن اصفهانی، ادیب، مورخ و لغت نویس (متولد اصفهان، متوفی بین ۳۵۰ تا ۳۶۰ ه. ق.)؛ سال تولد او را حدود ۲۷۰ ه. بیان کرده‌اند.

[۳] ثعالبی: «غرر اخبار ملوک الفرس»، ص ۱۸۴.

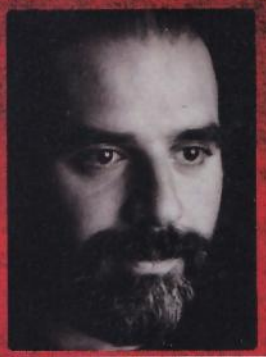
[۴] V.Minorsky: کولیان «لولی» و «لُر»های ایرانی ۱۹۳۱، JA، صص ۳۰۵-۲۸۱.

[۵] Vladimir Minorsky(۱۸۷۷-۱۹۶۶)، خاورشناس و ایران‌شناس روس و استاد دانشگاه لندن. دلیل شهرت وی، برای آثارش درزمینهٔ تاریخ، ادبیات، جغرافیا و فرهنگ فارس‌ها و کُردها و لُرها است.

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

PALMAS

MOHAMMADREZA RAEESI
MOHAMMAD MOAZZEN





پالماس نوازی (دست زدن)، بی‌تردید یکی از ارکانِ موسیقی فلامنکو محسوب می‌شود.
پالمروها (اجرا کنندگانِ پالماس) در اغلبِ گروه‌های فلامنکو حضور دارند؛ اگرچه نقشِ مهم آن‌ها، غالباً از نظرِ مخاطبِ غیر متخصص، پنهان می‌ماند. برای مردم عادی، «دست‌زدن» امری سهل و آسان می نماید، حال آنکه درک و اجرای همین فنِ ظاهراً ساده، برای نوازندگان، خوانندگان و سایر مجریان موسیقی فلامنکو مستلزمِ فراگیری و تمرین است. درکِ صحیح از پالماس، قطعاً به ادراکِ عمیق‌تری از موسیقی فلامنکو خواهد انجامید و آموزش پالماس را می‌باید جزئی از روندِ فراگیری فلامنکو دانست.
با این همه در ایران، پالماس و پالماس‌نوازی کمتر موردِ توجه بوده و لااقل هیچ مرجع و اسلوبِ مدوّنی برای معرفی یا آموزش آن به نشر نرسیده‌است.
کتابِ پیشِ رو را می‌توان نخستین کوششِ روش‌مند برای آموزش پالماس‌نوازی، بر اساسِ نواخته‌های پالمروهای مشهور و اساتیدِ شاخصِ اسپانیایی دانست.

Mohammadmoazzen.b
Mohammadmoazzen.com
Mohammadreza.raeesi
Mohammadreza-raeesi.com
Nayoney_publication
Nayoney.com

نشر نایونی

ISBN:978-622-5309-02-9
9 786225 309029

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز